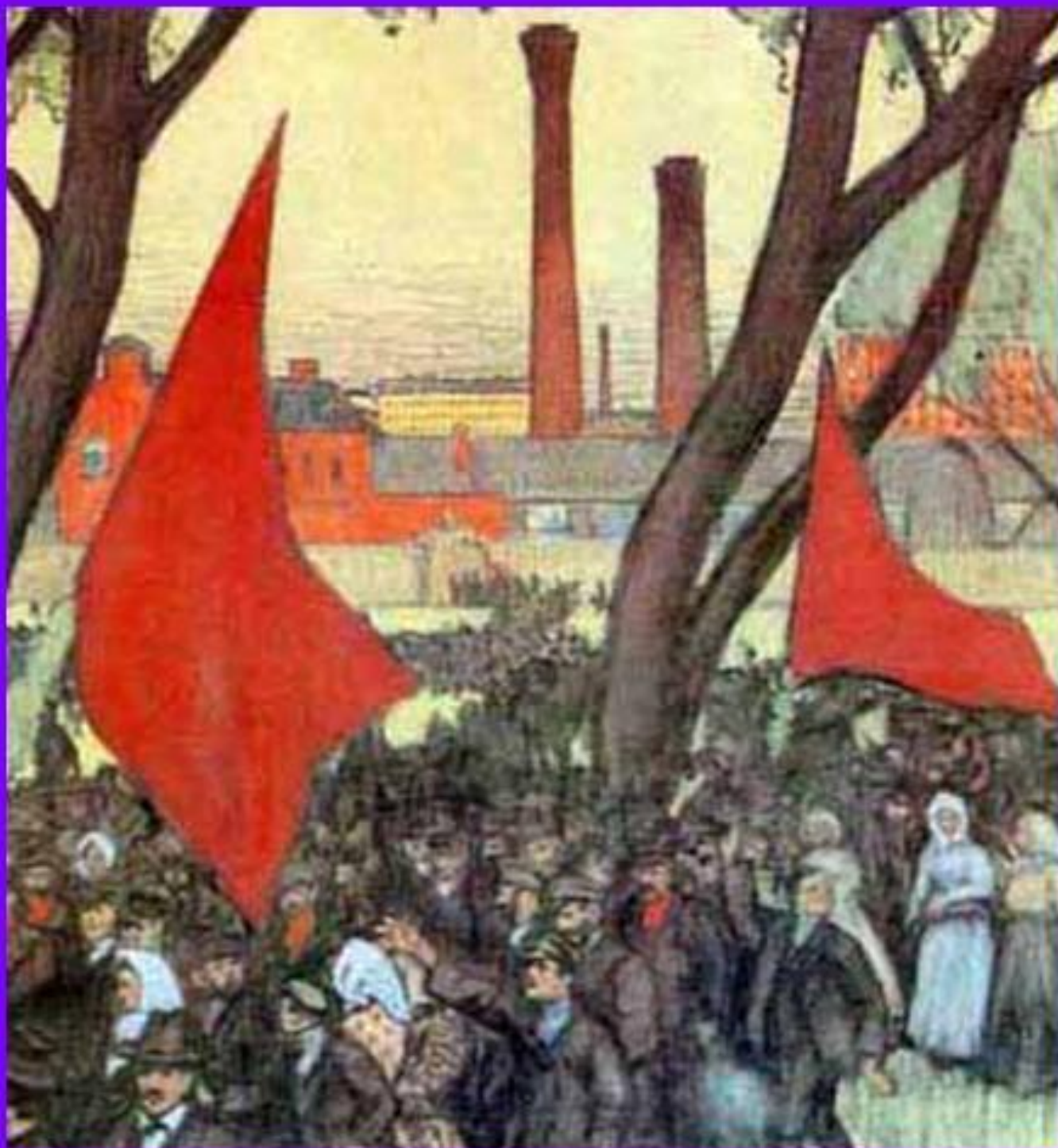


دیالکتیک
مبارزه سیاسی
و
موازین اخلاقی

احسان طبری





«به هدف‌های شریف تنها با وسایل شریف می‌توان دست یافت» مارکس

دیالکتیک مبارزه‌ی سیاسی و موازین اخلاقی



رفیق احسان طبری

بشکنی ای قلم، ای دست، اگر بیچی از خدمتِ محرومان، سر





دیالکتیک مبارزه‌ی سیاسی و موازین اخلاقی

بررسی دیالکتیک مبارزه‌ی سیاسی انقلابی پرولتاریا (که یکی از اشکال مهم «پراتیک اجتماعی» است) از سویی، و موازین اخلاقی (اتیک) یا به‌طور عام‌تر بررسی رابطه‌ی بین پراتیک اجتماعی و موازین اتیک، دارای اهمیت درجه‌ی اول است. شاید بدون ادای توضیحات لازم، توجه به مسئله و «اهمیت» آن برای خواننده چندان روشن نباشد.

اهمیت فقط در آن نیست که از حل درست این مسئله «رهنمودهای» عملی صحیح برای اصلاح سبک کار عناصر انقلابی به دست می‌آید (چیزی که خود دارای وزن و حساسیت عظیمی است)، بلکه هم‌چنین از این جهت است که حل درست این مبحث «جامعه‌شناسی» مارکسیستی می‌تواند کلیدهای مؤثر و لازم را برای پرورش انسان‌های طراز نوین نیز در دسترس ما قرار دهد.





پروورش «انسان‌های طراز نوین» که با «نیمه‌انسان‌ها»ی خو گرفته به موازین جانورانه‌ی جامعه‌ی طبقاتی تفاوت کیفی دارند، وظیفه‌ای نیست که فقط با پیروزی سوسیالیسم آغاز شود. نه، ابداً. این وظیفه‌ی بازپروری انسان از همان پیدایش «حزب طراز نوین طبقه کارگر» آغاز می‌گردد. ما در این جا وارد این بحث که خود وسیع و پیچیده است نمی‌شویم؛ همین قدر می‌گوییم که تجارب فراوان دیگر روشن ساخته است که اگر حزب طراز نوین طبقه کارگر (یا لاقلاً هسته‌ی مرکزی آن) از انقلابیونی تشکیل نشود که به شیوه عمل عینی و اصولی مجهز باشند، اگر هم شکست و ناکامی نصیب آن جنبش انقلابی نشود، حداقل باید چشم به راه انواع عوارض و اعوجاج‌ها و کثرونی‌ها و کثردیسی‌ها (دفورماسیون) شد، چیزی که به نوبه‌ی خود فاجعه‌هایی دردناک برای یک یا چند نسل به بار می‌آورد.

چرا چنین است؟ در این جا یک نکته‌ی فوق‌العاده مهم از جهت دیالکتیک عینی و ذهنی، فرد و نوع در تاریخ نهان است. لنین می‌گفت: «از خرد است که بزرگ بر می‌خیزد». به درستی گفته‌اند که این سخن یکی از تذکرات بسیار مهم لنین





است. لنین، با آن اصابت نظر مارکسیستی، متوجه بود که «ماکروپروسه‌ها» یا «روندهای بزرگ اجتماعی» (مانند «مبارزه طبقاتی»، «تحول انقلابی»، «رهبری سیاسی جنبش و جامعه»، «ساختمان جامعه‌ی نوین» و غیره) به نوبه‌ی خود از «میکروپروسه‌ها» یا روندهای کوچک‌تر و باز هم کوچک‌تری مرکب است که سرانجام به «افراد» سازنده‌ی تاریخ و «شیوه‌ی عمل» آن‌ها می‌رسد. این که این «میکروپروسه‌ها»، این خرده‌روندها، دارای چه خصلتی باشد، اهمیت هنگفتی در شکل‌گیری آن روندهای بزرگ دارد. لذا، مابین روندهای بزرگ عینی اجتماع و خرده‌روندهای پراتیک مبارزان انقلابی (اسلوب عمل آنها، روحیات آنها، سطح معرفت آن‌ها و غیره)، در آزمایشگاه‌های تاریخ در آمیزی و پیوند روی می‌دهد. به عنوان تشبیه استعاره آمیز می‌توان گفت، این‌جا جایی است که «رگ‌های مویین» روندهای خرد و نامریی، محتوای خود را به شاهرگ‌های روندهای عینی تاریخ انتقال می‌دهند. تردیدی نیست که در این تأثیر متقابل، نقش مسلط و قاطع با عوامل عینی است که خود سرشت انسان‌ها را معین می‌کند، ولی به هر جهت تأثیر، تأثیر متقابل است.





برای باز هم روشن تر شدن این سخن نین: «از خرد است که بزرگ بر می خیزد»، بررسی دیالکتیک و پراتیک سودمند است.

اتیک، رفتار فردی انسانها را بررسی می کند و پراتیک اجتماعی، اشکال مختلف فعالیت سودمند و اجتماعی لازم آنها را (مانند تولید، مبارزه طبقاتی، تجربه و پژوهش های عملی و فنی و هنری، آموزش و پرورش و غیره). ما در این جا از انواع پراتیک اجتماعی، مبارزه طبقاتی را که «سیاست» این طبقه یا آن طبقه را متجلی می کند، مورد توجه قرار می دهیم. چرا؟ زیرا این عرصه از همه ی دیگر عرصه های پراتیک اکنون برای ما نزدیک تر است.

اتیک مارکسیستی (علم اخلاق) یا علم موازین رفتار افراد در مناسبات و آمیزش با یکدیگر، معیارها و میزان های «خوب و بد»، «روا و ناروا»، «پسندیده و ناپسند» را، نه بر پایه ی ذهنیات، بلکه بر پایه ی عینی (سودمندی آن برای





تکامل اجتماعی (روشن می‌سازد. طبیعی است که ما در این‌جا برای «اتیک» و «متاتیک» بورژوازی که برای این ارزش‌ها، ملاک‌های ذهنی یا ماوراءطبیعی قائل است ارزش علمی قائل نیستیم.

اما توجه پراتیک اجتماعی (و از آن‌جمله سیاست) به «سودمندی و ثمربخشی کار» و «هدف‌رس و مؤثر بودن» آن است. از دیر زمان، که تفکر انتزاعی بشر پدید شد، این سؤال مطرح گردید: آیا می‌توان اتیک و پراتیک، و به شکل مشخص، اخلاق و سیاست را با هم سازگار ساخت؟ آیا می‌توان کاری کرد که آن کار، هم سودمند و ثمربخش و کارآرا و هدف‌رس باشد و هم پسندیده و نیکو؟ یعنی هم از جهت اتیک روا باشد و هم از جهت پراتیک به‌جا؟

در زبان لاتینی ضرب‌المثلی بود حاکی از این که «هر کس بتواند «سودمند» و «دلپسند» را به هم همراه کند، آن شخص سزاوار هر گونه تحسینی است».





کسانی گفتند: اصل بُرد، پیروزی و موفقیت در کار و به نتیجه رسیدن است. برای رسیدن به «هدف» نباید از به کار گرفتن هر نوع «وسیله‌ای» پروا داشت، زیرا در عمل، همراه کردن «خوب» و «سودمند» یا محال یا لااقل بسیار بخرنج و دشوار است. ژزوئیت‌ها و ماکیاولیست‌ها از این زمره‌اند. ولی کسانی هم گفتند: اگر لازمی رسیدن به «هدفی» دست زدن به روش‌های خلاف وجدان، ضد اخلاقی، اسلوب‌های ناپسند، بد و نارواست، باید از آن هدف‌ها چشم پوشید زیرا عمل انسانی فقط در چارچوب قواعد اخلاقی مجاز است.

در این جا بحث رابطه‌ی بین «هدف‌ها» و «وسایل» پیش می‌آید که ناشی از بحث قبلی است. این مطلب را فقط در مقطع تاریخی - طبقاتی آن می‌توان حل کرد. در تاریخ جوامع طبقاتی، وضع چنان بود که بین اتیک و پراتیک، از آن جمله، بین اخلاق و سیاست به ناگزیر تضاد عمیق وجود داشت و دارد. حتی «خیراندیشانه»ترین نیات و مقاصدی که سیاستمداران بورژوازی و خرده‌بورژوازی آن‌ها را مطرح می‌کنند، نه به علت نیت گوینده که می‌تواند صادقانه باشد،





بلکه بر حسب طبیعت خود، به شیوه‌های ضد اخلاقی نیازمند است، یا طی اجراء عملی خود و در بستر زمان، به پدیده‌های ضد انسانی بدل می‌شود. چرا؟ زیرا هدف گذاری طبقات بهره‌کش در نظامات بهره‌کشی، حتی در بهترین حالات، هسته‌ای از ستم طبقه‌ی ممتاز یا افراد متعلق به آن طبقه را بر جامعه در درون خود نهفته دارد و هیچ‌گونه آرایش‌گری و سالوسی «اخلاقی» و حتی «حسن نیت» واقعی قادر نیست سرانجام ماهیت ناپاکش را از افشاء تاریخی نجات دهد و در همین مورد است که به‌جا گفته‌اند: «جهنم با حسن نیت‌ها مفروش شده است».

ولی در هدف گذاری‌های طبقه‌ی نوین انقلابی (پرولتاریا)، مطلب طور دیگر است. در این‌جا تضادی مابین منافع فرد یا گروهی از افراد انسانی (طبقه زحمت‌کش) و منافع نوع بشر وجود ندارد. یعنی هدف‌هایی که پرولتاریا (از جهت اجتماعی و سیاسی) در مقابل خود می‌گذارد (مانند سوسیالیسم و کمونیسم) در ماهیت امر عبارت است از تأمین منافع





نوع بشر و برای نیل به این هدف‌ها نه تنها به کار بردن وسائل شریف ممکن، بلکه ضرور است. این مسئله‌ای است که می‌خواهیم نظر خواننده را به اهمیت عظیم حیاتی آن جلب کنیم و درباره‌ی آن به کوتاهی توضیح دهیم.

آری پرولتاریا از حرب‌هایی مانند «دیپلماسی»، «اعمال قهر انقلابی»، «جنگ»، «تسلیحات»، «فعالیت‌های اکتشافی» و انواع مبارزات به اصطلاح «غیرقانونی» و «کار مخفی» و امثال آن، استفاده کرده و می‌کند و مجبور است استفاده کند، ولی این افزارها را که خود ساخته‌ی طبقات ستم‌گر است علیه آن اقلیت ستم‌گر و غارت‌گری به کار می‌برد (و ناچار است به کار برد.) که به کمک این افزارها، اراده‌ی ضدانسانی خود را طی ده‌ها قرن تحمیل کرده و کماکان می‌کند، ولی در مورد اکثریت زحمت‌کش (خلق، جنبش حزب انقلابی و هم‌زمان) افزار پرولتاریا چیزی جز مراعات عالی‌ترین موازین و اصول اجتماعی و اخلاقی نیست و نباید هم باشد و اگر در این عرصه، وسایل ضدحقیقت و عدالت به کار رود، نیل به هدف را یا محال می‌سازد یا آن هدف مسخ می‌شود. اگر در این عرصه، وسایل و اسلایب





ضداصولی، ضدانسانی و ضداخلاقی دیده شود باید دانست که این امر حتماً در مواردی است که به جای هدف‌های درست اجتماعی، نیات و حساب‌گری‌های نادرست فردی به‌میان آمده یا نبرد اجتماعی در راه‌هایی کار از قید سرمایه، با مبارزات فردی ذهنی و شخصی که انعکاس اخلاقیات سودگرایانه جوامع کهن است، در آمیخته است. در این حالت است که باز بر حسب طبیعت هدف‌ها، اسالیب ضداخلاقی گاه محدود و گاه وسیع به میدان می‌آید. اگر رهبران انقلابی در جاده‌ی «کیش شخصیت» یا «سیطره‌جویی‌های ملی» (هژمونیزم) پای گذارند، چنان‌که تجربه‌ی مشخص تاریخ بارها نشان داده، چون این نوع هدف‌ها خود ضدانقلابی و ضدانسانی است، لذا ضداخلاقی است و ناگزیر یک سلسله اسالیب ضداصولی و ضدانسانی و ضداخلاقی را هم با خود به‌یدک می‌کشند و نمی‌توانند نکشند. آن‌گاه دشمن طبقاتی نیز این تحول بغرنج حوادث را برای سفسطه‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد و با شادی موزیانه‌ای اعلام می‌دارد که





ملاحظه کنید که «کهر کم از کبود نیست»؛ انقلابیون هم قماش بهتری از ما نیستند و حال آن که مخترع این شیوه‌ها و موجد این محیط‌ها، در آخرین تحلیل خود اوست.

ولی انقلابیونی که در زیر پرچم جمع‌گرایی و جهان‌گرایی پرولتاری، بدون کم‌ترین حساب‌گری‌های شخصی یا ملی مبارزه می‌کنند، در مقابله با خلق و جنبش و حزب و هم‌زمان سیاسی خود، هیچ روشی جز صداقت انسانی، صراحت مشی، اصولیت در قضاوت، عشق به حقیقت، مراعات اکید منطق علمی، مراعات موازین صحیح کار سازمانی، انسان‌دوستی پرولتری و دیگر ارزش‌های والای علمی و اخلاقی نمی‌توانند و حق ندارند روش دیگری داشته باشند و تنها این اسلوب است که برای آن‌ها هدف‌رس و کاراست. مارکس بر آن است که با پیروزی کمونیسم، روزی خواهد رسید که روابط بین کشورها بر پایه‌ی عالی‌ترین اصول اخلاقی استوار خواهد شد، و در همین مقطع است که مارکس می‌گوید: «به هدف‌های شریف تنها با وسایل شریف می‌توان دست یافت». این سخن مارکس یکی از مهم‌ترین وصایای اوست.





بعضی از مرتدان معاصر بورژوازی مانند رژه گارودی از «اخلاق موضوعه» (constituee) و «اخلاق واضح» (constituante) دم می‌زنند و عملاً می‌خواهند نتیجه بگیرند که «عناصر تاریخ‌ساز» خود واضح اخلاق‌اند یعنی نسبت کامل در ارزش‌های اخلاقی را مطرح می‌کنند. در «حقیقت» اخلاقی، عناصر ثابت و پایدار وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را تنها «اخلاق موضوعه» نامید که «واضعان اخلاق» حق دارند آن‌ها را نادیده گیرند. این نشانه‌ی عدم درک آموزش مارکسیستی اتیک است.

به نظر نگارنده مطالب مطروحه از اهم مباحث فلسفه مارکسیستی است که ما مارکسیست‌های ایرانی به‌ویژه باید بدان توجه بسیاری معطوف داریم و لازم است آن‌ها را عمیقاً و با اخلاص تمام درک کنیم. «درک» یک مبحث البته مانع تأثیر واقعیت‌های بغرنج و عینی اجتماعی در رفتار انسان‌ها نیست، ولی خود شعور به یک مسئله می‌تواند تأثیر این





واقعیت را در عمل مبارزان انقلابی لااقل ضعیف کند زیرا باز هم به گفته‌ی مارکس، ایده با رخنه در توده‌ها به نیرو بدل می‌شود.

این که تصریح می‌کنیم توجه به این نکات برای ما مارکسیست‌های ایرانی به‌ویژه دارای اهمیت خاصی است، برای آن است که مختصات محیط اجتماعی، نیرومندی اسلوب‌های عمل غیرپرولتاری (غیرعلمی و ضدانسانی)، به‌علل مختلفی که از تاریخ و از ویژگی‌های نسج کنونی جامعه‌ی ما ناشی می‌شود، برای اسالیب عمل مبتنی بر خودخواهی (علیه جمع‌گرایی) و یا ملت‌گرایانه (علیه انترناسیونالیسم)، میدان باز می‌کند.

تجارب منفی جنبش انقلابی در ایران از دیرباز، هر بررسی‌کننده‌ی دقیق را، که در تشریح و آناتومی پدیده تا آخر پی‌گیر باشد، به مسئله‌ی اهمیت «سبکِ عمل» افراد به‌ویژه، هسته‌های مرکزی سازمان‌های انقلابی متوجه می‌سازد.





لنین می آموزد که حزب طراز نوین طبقه کارگر در حکم «زیربنا» و سیاست انقلابی آن حزب، در حکم «روبنا» است. بدون یک زیربنای محکم، نه داشتن یک سیاست صحیح، شدنی است و نه اگر چنین سیاستی هم وجود داشته باشد قابل اجراء یا به طور پی گیر، قابل اجراء است.

به همین جهت مسئله ایجاد یک زیربنای محکم تشکیلاتی، به مثابه ی شرط مقدم اجراء پیروزمندانه ی یک سیاست انقلابی پرولتری، وظیفه ی درجه ی اول است. ایجاد یک زیربنای محکم تشکیلاتی یعنی ایجاد آن چنان سازمانی که در آن موازین لنینی زندگی حزب و رهبری آن (مانند مرکزیت دموکراتیک، رهبری جمعی و مسئولیت فردی، وحدت تئوری و پراتیک، انضباط یک سان در صدر و ذیل، اتوریته ی ارگانها در عین امکان بروز ابتکار مبارزان، وحدت اراده و عمل، ادامه کاری در مبارزه و سازمان، پرورش کادر حرفه ای انقلابی، استواری اصولی و نرزش عملی، و غیره اجرا شود. لنین مسئله ی «سازمان طراز نو» را «آغازگاه» هر گونه پیشرفتی در مبارزه می شمرد. این موازین و اصول که لنین





آنها را موازین حزب طراز نوین شمرده، صد در صد اخلاقی و انسانی و انقلابی و ناشی از اتیک و سیاست پرولتری است و کوچکترین ارتباطی با شیوه‌زنی، حساب‌گری‌های شخصی، تفرقه‌اندازی، بندبازی‌های شعبده‌گرانه، سفسطه‌گری، دسته‌بندی، ذهنی‌گری در قضاوت و عمل، تحمیل تمایلات شخصی، خدعه و سالوسی و دیگر انواع موازین «سیاست بورژوایی» ندارد. کار بست آنها ولو در مقیاس کم، برای حزب انقلابی که باید اعتماد افراد و توده‌ها را جلب کند، مهلک است.

ما مارکسیست‌ها «واعظ» نیستیم و به عمل عبث و سالوسانه‌ی «پند و اندرز» نمی‌پردازیم، ولی برای روشن‌گری و بذرافشانی انقلابی و طرح انقلابی و به‌موقع مسایل اجتماعی، اهمیت قائلیم و بدون آن که در تأثیر آن غلو کنیم، بر آنیم که طرح صریح و صحیح یک مسئله‌ی اجتماعی، محمل و پیش‌زمینه‌ی لازم حل درست آن را فراهم می‌کند و آنچه گفته‌ایم تنها در این مقطع و با این هدف است. به‌دیگر سخن، تکیه ما بر روی منطقیّت، اصولیت و اخلاقی و انسانی بودن





اسلوب و سبک عمل در مبارزه‌ی اجتماعی ناشی از نوعی «احساسات‌بافی اخلاقی» و «مُرالیسم» بورژوازی پوچ و بدون محتوی نیست، بلکه تنها از آن جا بر می‌خیزد که بدون چنین سبکی، حزب انقلابی به‌دلایلی که بر شمردیم یا شکست می‌خورد یا دچار پی‌آمدهای منفی و بخرنج می‌شود و لذا همین واقع‌گرایی اجتماعی و انقلابی، عشق به پیروزی در نبرد سیاسی است که ما را به تصریح‌های یادشده و می‌دارد، به‌ویژه در دورانی که نسل نوینی از انقلابیون بیش از پیش وارد عرصه‌ی مبارزه‌ی اجتماعی می‌شوند.

مجله‌ی «دنیا» شماره‌ی ۱۲، اسفندماه ۱۳۵۶





کتابخانه «به سوی آینده»

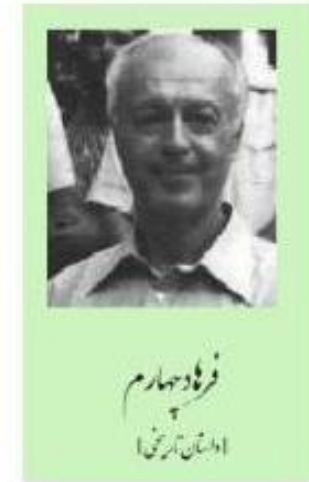
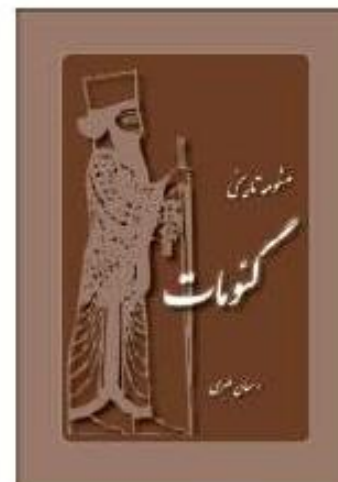
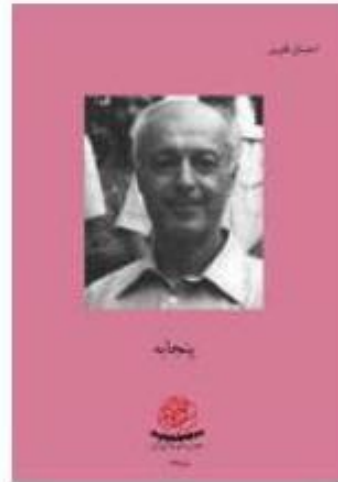
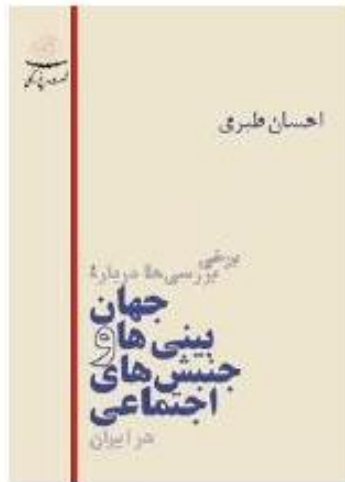
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق احسان طبری به تارنکارهای زیر مراجعه کنید!

<http://www.tudehpartyiran.org>

۱- کتابخانه حزب توده ایران

<http://tabari.blogspot.com>

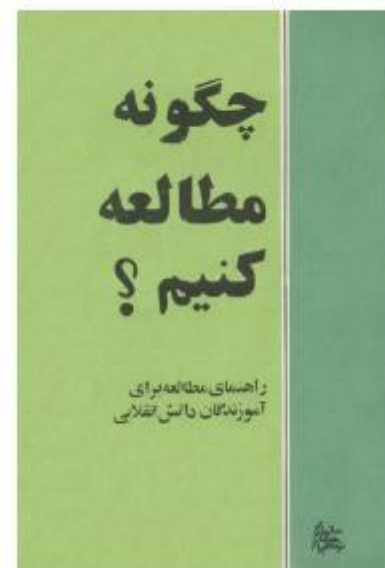
۲- انجمن دوستداران احسان طبری





کتاب‌هایی که حتماً باید خواند!





کتابخانه «به سوی آینده» در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات **سازمان جوانان حزب توده ایران** و «با کدام کتاب‌ها آغاز کنیم؟» از انتشارات **کانون دانش‌آموزان ایران** را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!





خجسته، یاد هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران !

